

یادداشت

جنگ همه علیه همه!



اسلام ذوالقدرپور

کارشناس مسائل بین الملل

یکی از مؤلفه های سیاستگذاری عمومی که در پشت اهداف زیبای رفاه و سعادت انسان و جامعه پنهان شده، انباشت زور است. انگاره انباشت زور به عنوان یک سیاست راهبردی و ابزار تحقق نیات و اهداف استراتژیک سیاستگذاران و حکمرانان، همواره بخش مهمی از سیاستگذاری خارجی را شکل داده است. تلاش برای انباشت زور و برتری انگاره انباشت زور که به اقتدار یک دولت یا بازیگر در نظام منطقه ای و جهانی منجر می شود، خود مؤلفه ای از الگوی جهانی است که آن را وضعیت هابزی می نامند. وضعیتی که براساس این سخن توماس هابز، اندیشمند انگلیسی سده ۱۷، توصیف می شود که گفته اند «جنگ همه علیه همه». توماس هابز به عنوان اندیشمند و فیلسوف سیاسی غرب در عصری که هنوز با شرایط قرون وسطایی اروپا مواجه بودند، توصیف بسیار کاملی از وضعیت جهان به خصوص اروپای آن زمان ارائه کرده که تنها در دو جمله نسبت داده شده به ایشان یعنی: «جنگ همه علیه همه» و «انسان گرگ انسان» قابل مشاهده و تحلیل است. وضعیت هابزی در این دو جمله بر توصیف وضعیت طبیعی زندگی در غرب و ضرورت تغییر شرایط طبیعی و آناشیک به شرایط اجتماعی و قراردادی دولت – ملت تأکید دارد. وضعیتی که مردم تصمیم می گیرند برخی آزادی ها و ابزارهای خاص و طبیعی خود را کاهش دهند یا به نهاد و ساختاری جدید یعنی دولت واگذار کنند تا بتوانند به رفاه و آسایش دست یابند و مهم تر آن که تضمینی باشد برای بقای خودشان یا اجتماع شان. علاوه بر انگاره تضمین بقا که هدف بنیادین انسان از قرارداد اجتماعی و واگذاری بخشی از آزادی های خود به حکمرانی است، انگاره ترس از آینده، ترس از جنگ و ناامنی تلاش شهروندان اروپا به ویژه اندیشمندانی مانند هابز برای راهیابی از وضعیت جنگ همه علیه همه یا انسان گرگ انسان را سبب شده است. وضعیتی که چنان ناامن و بی نظم بوده است که «انسان را گرگ انسان» نامیده و همه مردم را در جنگ فراگیر علیه یکدیگر نمایش می دهد. در چنین وضعیتی است که انباشت زور از شهروندان به نهاد ها و ساختارهای مقتدر اجتماعی و ملی سپرده شده و شهروندان تنها به امید پوشش امنیتی دولت ها، زندگی می کنند. جهان کنونی نیز دارای وضعیت ناامن، آناشیک و جنگ زدای است که مصداق تعاریف توماس هابز است. همان وضعیتی که شرایط پیشاجنگ های جهانی اول و دوم را داشته و جهان را با فاجعه جنگ جهانی مواجه ساخته است. وضعیت کنونی جهان به ویژه شرایط و پیامدهای دو جنگ ۲۰۲۲ اوکراین و اکتبر ۲۰۲۳ غزه، بار دیگر هشدارهای اندیشه توماس هابز یعنی جنگ همه علیه همه و انسان گرگ انسان را تأیید کرده است. بازگشت جهان به وضعیت هابزی را در محورهایی پیش رو می توان تحلیل کرد: نخست؛ جنگ اوکراین و خروج اروپای ستیزه جو از جنگ ۲۰۲۲ اوکراین و روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ و پیشروی سریع اولیه ارتش روسیه در قلب خاک اوکراینکه تحلیل ها را به سوی سرنگونی دولت زلنسکی و تجزیه کامل اوکراین رهنمون ساخت، مؤلفه ای از خروج اروپای ستیزه جو و جنگ زده از کمای صلح پساشوری بود. جنگ اوکراینکه پیامد تحریک دو طرف جنگ (روسیه – اوکراین) از سوی غرب به خصوص ایالات متحده آمریکا بود، بار دیگر اروپای قرن بیست و یکم و اتحادیه اروپای آلمانی را در معرض دوره ای جدید از جنگ های اروپایی و جهان را در برابر یک جنگ جهانی قرار داد. تنها جرم روسیه به اوکراین، ازدهای خشمگین جنگ همه علیه همه در اروپا را از کمای چند دهه ای خود بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بیدار کرده و چتر وحشت جنگ همگانی در اروپا و جهان را بر سر شهروندان نظام جهانی برافراشته است. تنها جرم روسیه به اوکراین در ۲ سال اخیر دولت های غربی را به بازتوسیس استراتژی های خود وادار کرده، انباشت زور و سیاستگذاری نظامی و تسلیحاتی را بر سیاستگذاری خارجی مسلط ساخته به گونه ای که بیشتر سخنان و جلسات سران اروپا یا دولتمردان روسی با تهدیدات نظامی و ژئوپلیتیکی علیه یکدیگر همراه شده است! دوم؛ جنگ اکتبر ۲۰۲۳ غزه و جنگ همه علیه همه؛ در حالی که غرب به ویژه اروپا مشغول جنگ اوکراین و مدیریت پیامدهای ژئوپلیتیک این جنگ بودند و جهان با نگرانی چشم انتظار تهاجم چین به تایوان بود، ناگهان سیهیاد دم جنگ جهانی از کانون ۷۰ ساله تنش و حمران جهانی یعنی فلسطین طلوع کرد و جهان را در روندی از هراس فراگیر قرار داد. جنگ اکتبر ۲۰۲۳ غزه که با تهاجم محور مقاومت غزه به درون اسرائیل آغاز شده و به سرعت جهان را به دو قطب طرفدار غزه یا اسرائیل تقسیم کرده، قطب طرفداران و حامیان اسرائیل را به ادامه ستیز و جنگ تا نابودی گروه های مقاومت غزه مشتاق کرده است. در چنین شرایطی است که ایالات متحده آمریکا و برخی دولت های ستیزه جوی اروپایی به جای تلاش برای برقراری آتش بس و همان صلح مسلح اعراب و اسرائیل، ادامه جنگ و نابودی حماس و غزه را در دستور کار خود و حمایت های کلان مالی، سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی خویش از اسرائیل قرار داده اند! آرایش جنگی و تهدیدهای لفظی ایالات متحده آمریکا و دولت های اروپایی از یک سو و اقدامات محور مقاومت و برخی دولت های مستقل در حمایت از غزه یا برقراری آتش بس از دیگر سو که بر افکار عمومی، بازارهای جهانی و... اثر گذاشته است را می توان مصداق دقیق وضعیت هابزی «جنگ همه علیه همه» دانست. وضعیتی که با حملات سنگین و فراگیر اسرائیل به غزه، کشتار و پاکسازی نژادی شهروندان غزه و سکوت نهادهای بین المللی همراه شده و دیگر سخن کنونی جهانکه شباهت های بسیاری به وضعیت پیش از جنگ های اول و دوم جهانی دارد، وضعیتی است که بر اساس اندیشه توماس هابز با عنوان جنگ همه علیه همه تعریف و شناخته می شود.

امیررضا واعظ آشتیانی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

افرادی در کشور مسئولیت دارند که در زمان متوقف شده اند



هنوز تفاوت بین آدم خوب و متخصص را درک نکرده ایم



در نگهداری داشته هایمان خوب عمل نکرده ایم



آرمان ملی- احسان انصاری: «فوتبال کشورهای عربی در حال رشد و پیشرفت است و ما تنها تماشاگر بوده ایم. ما هدف گذاری نداشته ایم در حالی که آنها از هم اکنون برای آینده برنامه ریزی انجام می دهند. برخی فدراسیون ها به اندازه ای در دل نهادهای نظارتی هراس افکنده اند که وزارت ورزش و برخی نهادهای نظارتی وظایف خود را نیز فراموش کرده اند. کشورهای جهان برای آینده مهندسی بدون درد و خونریزی دارند. در فوتبال ما نیز پول های هنگفتی وجود دارد که به دلیل سوءمدیریت حیف و میل می شود و از بین می رود. مدیریت فوتبال ما در سال های اخیر همواره در شرایط آزمون و خطا هستند. این در حالی است که کشورهای دیگر با برنامه ریزی از ما عبور کرده اند.» جملات ذکر شده اظهارات امیررضا واعظ آشتیانی مدیرعامل پیشین باشگاه استقلال در گفت وگو با «آرمان ملی» است. واعظ آشتیانی در این گفت وگو به مهم ترین چالش های ورزش و فوتبال کشور پرداخته که در ادامه می خوانید.

مشکلات و حاشیه های فوتبال و ورزش کشور به چه میزان به وضعیت مدیریتی و مدیرانی که انتخاب شده اند بازمی گردد؟

هنگامی که کسی که باید در سر جای خود قرار نداشته باشد و به جای وی فردی قرار داشته باشد که از صلاحیت و توانایی کافی برخوردار نیست حرکت ورزش کشور کند می شود و نمی توان انتظار موفقیت داشت. نمی توان شرایط را به شکلی در نظر گرفت که این چرخه معیوب همچنان به کار خود ادامه بدهد و روز به روز نیز مشکلات جدیدی را به وجود بیاورد. اگر هزینه ها در مسیر صعودی قرار بگیرد بخش خصوصی حاضر نیست وارد میدان شود و در چنین شرایطی همه متضرر خواهند شد. ما هنوز تفاوت بین آدم خوب و متخصص و کارآمد را درک نکرده ایم. در اغلب موارد ما به جای فرد متخصص فرد خوب را انتخاب کرده ایم و به همین دلیل مدیریت تخصصی و حرفه ای در ورزش و به خصوص فوتبال نداریم. نکته دیگر اینکه افراد در سر جای خود قرار ندارند و برخی پست های مدیریتی در اختیار کسانی است که از کارآمدی کافی برخوردار نیستند.

پس از چند دهه نباید به این چرخه پایان می دادیم و مدیرانی انتخاب می کردیم که از توانایی کافی برخوردار باشند؟

ما در حوزه انتخاب افراد برای مدیریت در زمینه های مختلف با چالش مواجه هستیم و تا زمانی که این چالش را مرتفع نکنیم نمی توانیم به بهبود اوضاع خوش بین باشیم. شاید در برخی زمینه ها دیر نیز شده باشد، اما جلوی ضرر را از هر کجا که بگیریم منفعت است. من فکر می کنم ظرفیت های مدیریتی در کشور بالاست. در چنین شرایطی نوع انتخاب مدیران است که مشکل آفرین است و چالش ایجاد کرده است. اغلب مدیران به صورت سلیقه ای و مبتنی بر رابطه انتخاب می شوند. واقعیت این است که ما از ۱۰ درصد مدیریت کشور استفاده می کنیم. اگر ما این عدد را به ۳۰ درصد برسانیم هم کار مهمی اتفاق افتاده است. تفاوتی هم نمی کند چه جریان سیاسی دولت را در اختیار داشته باشد. مادر همه ادوار با چنین چالش هایی مواجه بوده ایم. ما در هر زمینه ای موفقیت داشته ایم انتخابات درستی داشته ایم. مشکل اصلی این است که برخی فکر می کنند هر آنچه آنها فکر می کنند صحیح است و بقیه نباید دخالت کنند. این در حالی است که باید به سمتی حرکت کنیم که افرادی را برای مدیریت کشور انتخاب کنیم که براساس سلاقی سیاسی نباشد و بلکه مبتنی بر شاخص های مدیریت صحیح و تخصصی باشد. اینکه ما یکباره صحنه اجرایی کشور را به عناوین مختلف تغییر

عبور از چالش های کشور نیازمند برنامه ریزی است. هنگامی که مشاهده می کنیم تنها ۲۵ درصد برنامه ششم توسعه اجرایی شده باید به عمق چالش ها پی برد که چرا ۷۵ درصد برنامه ریزی های توسعه محقق نشده است. این در حالی است که برنامه هفتم توسعه را نیز تدوین کرده و به دنبال اجرای آن هستیم. دولت های گذشته به برنامه توجه نمی کردند که اگر توجه می کردند ما باید سرآمد کشورهای منطقه می بودیم که در عمل کشور های منطقه می بودیم که در عمل چنین اتفاقی رخ نداده است. حتی باید در برخی زمینه ها سرآمد قاره آسیا می بودیم

در وضعیت خوبی قرار داریم. بهتر است که گروهی را برای قهرمانی آسیا تربیت کنیم و گروه دیگری را برای قهرمانی جهان. این وضعیت در رشته های مختلف با توجه به ظرفیت هایی که ما در اختیار داریم متفاوت است. در کنار این باید برندسازی اقتصادی کنیم و در نهایت از آن بهره سیاسی و اجتماعی از آن ببریم. این در حالی است که هیچ کدام از این اتفاقات در عرصه مدیریت کشور رخ نمی دهد. بعضا افرادی در کشور ما مدیریت دارند که در زمان متوقف شده اند و به همین دلیل نمی توانند به خوبی راهبردها را نشان بدهند. نکته مهم تر اینکه ما شاهد این نیستیم که در حوزه ورزش و دانشگاه اتفاقات خوبی در کشور رخ بدهد. این وضعیت درباره رابطه صنعت و دانشگاه نیز وجود دارد و رابطه صنعت و دانشگاه یک رابطه خوب نیست. این در حالی است که اقداماتی که کشورهای دیگر انجام می دهند با برنامه و هدف صورت می گیرد. به عنوان مثال آیا هدف گذاری پشت خرید ستارگانی مانند رونالدو و نیمار وجود ندارد؟ قطعاً این اقدامات با هدف و برنامه ریزی صورت می گیرد. هدف مسئولان عربستان از خرید چنین بازیکنانی این بود که میزبانی جام جهانی را به دست بیاورند که در نهایت نیز این اتفاق رخ داد و آنها توانستند میزبانی جام جهانی ۲۰۳۴ را به دست بیاورند. در شرایط کنونی بازی های لیگ عربستان را برخی از کشورهای دیگر به دلیل حضور رونالدو و نیمار نیز پیش مستقیم می کنند. آیا با نوع بیشش و مدیریتی که در فوتبال ما وجود دارد انتظار دارد ما نیز موفقیت های لیگ عربستان را به دست بیاوریم؟

فاصله ما با این کشورها زیاد نشده است؟

این اتفاق رخ داده و دلیل آن نیز این است که آنها هدف گذاری و برنامه ریزی کرده اند. واقعیت این است که فوتبال کشورهای عربی در حال رشد و پیشرفت است و ما تنها تماشاگر بوده ایم. ما هدف گذاری نداشته ایم در حالی که آنها از هم اکنون برای آینده برنامه ریزی انجام می دهند. برخی فدراسیون ها به اندازه ای در دل نهادهای نظارتی هراس افکنده اند که وزارت ورزش و برخی نهادهای نظارتی وظایف خود را نیز فراموش کرده اند. کشورهای جهان برای آینده مهندسی بدون درد و خونریزی دارند. در فوتبال ما نیز پول های هنگفتی وجود دارد که به دلیل سوءمدیریت حیف و میل می شود و از بین می رود. مدیریت فوتبال ما در سال های اخیر همواره در شرایط آزمون و خطا هستند. این در حالی است که کشورهای دیگر با برنامه ریزی از ما عبور کرده اند.

خبر

هر کسی با انتخابات مخالفت کند با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است

ادامه از صفحه ۱۲ مقام معظم رهبری اثر قدرت سخت را مقطعی و از بین رفتنی برشمردند و با اشاره به فرار مفتضحانه آمریکا از افغانستان و نفرت عمیق مردم عراق از کاخ سفید، افزودند: قدرت سخت نتوانست حضور آمریکا را در این دو کشور ماندگار و موفق کند اما قدرت نرم توانسته است گروهی بظاهر در اقلیت مانند مردم فلسطین را در کانون توجه دنیا قرار دهد که این، بخاطر مظلومیت، صبوری و ایستادگی مردم فلسطینی است. ایشان معارف اسلامی، منطق قرآن و «معارف، مصائب و تاریخ اهل بیت» را محتوای اصلی کار مداحی برشمردند و گفتند: توقع این است که این محتوا با بهترین زبان و بهترین شیوه و با همان خصوصیتی که در تاریخ جهاد تبیین وجود داشته، به مردم ارائه شود. مقام معظم رهبری تکیه جمهوری اسلامی به قدرت نرم را راهبر اصلی کشور در ۴۵ سال اخیر خواندند و گفتند: به «داشتن تسلیحات پیشرفته منطق با نیاز کشور و موثر در مقابل توانایی دشمنان». باور داریم اما اعتقاد عمیق داریم که قدرت نرم یعنی «تسلیمات فکری، زبانی و منطقی» قوی موثرتر است و باید گسترده تر شود.

امروز مرز و نبض تپنده دنیای اسلام «غزه» است

حضرت آیت... خامنه ای «توانایی برانگیختن و ایجاد حرکت» و «هدف گیری درست و دقیق» را دو شاخص مهم برای سنجش جهاد تبیین دانستند و گفتند: در جهاد تبیین علاوه بر قدرت تکان دادن دل ها و حرکت آفرینی، دقت در هدف گیری خیلی مهم است چرا که گاهی مثلاً در شرایط نیاز دنیای اسلام به اتحاد، بی دقتی باعث ایجاد اختلاف و شکاف می شود. ایشان با تحسین رشد علمی جامعه مداحان در مقایسه با گذشته، مداحان را به دقت در فهم عمیق و بیان معارف دینی توصیه مؤکد کردند و افزودند: جامعه مداحی امروز جامعه ای بلندمرتبه و متعالی است و انتظار از آن، انتقال دقیق معارف دینی با ابزار بسیار ممتاز مدح و مرثیه است. ایشان مداحان را به انس مضاعف با کتب حدیث، خطبه های معارفی و حرکت آفرین نهج البلاغه و دعا های صحیفه سجاده فراخواندند و گفتند: در صحیفه سجاده به پدیده ای عجیب در مکتب اهل بیت است. امام سجاد علیه السلام، برای مرداران اسلام دعا می کنند که امروز مرز و نبض تپنده دنیای اسلام «غزه» است. مقام معظم رهبری بیان کردند: مردم غزه امروز نه فقط در برابر رژیم صهیونیستی بلکه در مقابل دنیای کفر و طاغوت و استکبار و آمریکا ایستاده اند و اینکه رئیس جمهور آمریکا صریحاً می گوید من صهیونیست هستم، یعنی همان خیانت و اهداف پلید صهیونیست ها در او نیز وجود دارد. مقام معظم رهبری یکی از وظایف مجاهدان تبیین را شناخت و تبیین مسائل روز از جمله مسأله غزه و دشمنی های بدخواهان دانستند و افزودند: باید در مقابل تبلیغات دروغین آمریکا و دنباله روهای آن علیه اسلام و نظام اسلامی سینه سپر کنیم. ایشان انتخابات پیش رو را عرصه مهم دیگر برای جهاد تبیین خواندند و با تأکید بر ضرورت نقش آفرینی در مقابل یاس پراکنان و القا کنندگان بی فایده گی انتخابات گفتند: برخی می خواهند انتخابات و حضور مردم که اثبات تحقق مردم سالاری دینی است ضعیف و نامناسب باشد تا حرف و ایده امام بزرگوار و وعده الهی دروغ درآید که در مقابل این رویداد خصمانه، مجاهدان تبیین باید با بیان حقایق بایستند و به وظیفه خود عمل کنند. حضرت آیت... خامنه ای تأکید کردند: انتخابات یک وظیفه است و هر کسی با انتخابات مخالفت کند با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است. ایشان، تبدیل نقاط قوت نظام به نقطه ضعف را از جمله شگردهای بدخواهان ایران برای بدبین کردن مردم به نظام و ناامید کردن آنها از آینده خواندند و گفتند: یکی از نقاط ضعف نظام اسلامی مبارزه با فساد است، اما به محض آنکه فساد در جایی ظاهر می شود و دولت و مسئولان قضایی و دیگر بخش ها آن مقابله می کنند، عده ای می گویند فساد وجود دارد؛ بله فساد وجود دارد اما نقطه ضعف، تحمل فساد و کمک به آن است و مبارزه با فساد، نقطه قوت است. مقام معظم رهبری سیره امام بزرگوار را ایستادن صریح و بی ملاحظه در مقابل القانات خصمانه و بیان روشن مطالب برای مردم دانستند و خاطرنشان کردند: امام با این روشنگری ها توانست پایه های نظام اسلامی را به نحوی مستحکم کند که تا امروز نظام بر همان پایه ها ایستاده و مرتفع شده و در آینده هم ارتفاع بیشتری پیدا خواهد کرد. ایشان ملت ایران را دستدار استقلال، پیشرفت و عزت ملی و منزجر از فقر فروشی آمریکایی ها و دنباله روی از آنها دانستند و گفتند: علت ایستادن مردم پای جمهوری اسلامی علاقه مند ی آنها به این ارزش ها است. این راه، راه خداست و هیچ قدرتی قادر به عقب راندن مردم از حرکت در آن نیست.